

نهضت‌های آزادی‌بخش شما را از درک ماهیت ضد استعماری این رشته تحرکات باز دارد. این پدیده به معنای ارتباط و پیوند این مبارزات با شبکه به اصطلاح «تروریسم جهانی اسلام» نمی‌باشد. واقع امر آن است که بعد از رهایی اوکراین، ارمنستان و گرجستان و جمهوری‌های بالتیک از قید چیرگی روسیه، تنها ملل و اقوام مسلمان این حوزه هنوز در زنجیر استعمار روسیه باقی مانده‌اند.

می‌دانید که تمام مردم - با هر دین و اعتقادی که دارند - به وقت سختی و دشواری رو به خدا می‌آورند و خدای مسلمان‌ها الله است. حقا که خدا بزرگ است و سرنوشت ما همگی به دست اوست و از درگاه وی استعانت داریم.

فقدان هر گونه راه‌حل نظامی

تجربه تلخ مناقشه چچنستان و روسیه در ده سال گذشته بیانگر آن است که این مسئله راه-حلی نظامی ندارد. از آنجایی که نه رژیم کرملین می‌تواند اراده آزادی‌خواهانه ملت چچن را در هم شکنند و نه نیروهای مقاومت چچن را آنچنان توانی هست که به تفوق نظامی حاصل از حضور دایم حدود ۲۰۰,۰۰۰ نیروی روسی خاتمه دهند، بر این اعتقاد هستیم که تنها نوعی توافق سیاسی می‌تواند به موج خشونت‌های جاری در چچنستان و دیگر نقاط شمال قفقاز خاتمه دهد. رهبری چچنستان با

آنکه هیچ گاه حاضر نیست که از دین و آزادی خود دست بکشد ولی آماده آن است که برای تضمین ثبات و یک صلح پایدار در شمال قفقاز وارد یک گفت‌وگوی سازنده سیاسی گردد.

مضحکه سیاسی‌ای که هم اینک به صورت برگزاری یک «رفراندوم» و «انتخابات ریاست جمهوری» کفیل نخست وزیر و حکومت برکشیده روسیه، رمضان قادروف و رئیس جمهور منصوب مسکو، علو آخانوف جریان دارد و همچنین انتخاباتی که قرار است برای «پارلمان» برگزار گردد، ربطی به یک راه‌حل سیاسی واقعی ندارد. این گونه اقدامات فقط باعث آن خواهد شد که امکان دسترسی به یک راه‌حل مسالمت‌آمیز به تأخیر افتد و حوزه نخاصم و رویارویی که مسئولیت مستقیم آن بر عهده رهبری روسیه قرار دارد، به نحوی بیش از پیش گسترش یابد.

احمد ذکایف

۸ مارس ۸۴

در روزهای پایانی سال ۸۴، خیر ضرب و شتم برخی از فعالان حوزه زنان در یک گردهمایی عمومی به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن از سوی نیروی انتظامی شتیده شد. این خیر، با در نظر گرفتن سرکوب چندی بیش اعتراضات اتوبوسرانان و نیز تغییر و

تحولاتی که در نهادهای رسمی از جمله مرکز امور مشارکت زنان صورت گرفت، تحول دور از انتظاری نبود. معهذ این واقعه از نظر نکاتی چند جالب توجه بود:

مراسم ۸ مارس که تا پیش از باز شدن نسبی فضای سیاسی عمدتاً در محافل بسته برگزار می‌شد، پس از روی کار آمدن دولت اصلاحات به فضاهای عمومی‌تر نیز کشانده شد. برگزاری این نوع مراسم بیشتر فرصتی برای طرح مطالبات قانونی زنان بوده است که نقطه اوج آنها را می‌توان در حضور زنان در ورزشگاه آزادی و نیز تجمع فعالان زن در مقابل سردر دانشگاه تهران در خرداد ماه سال گذشته دانست.

کمابیش در همه این تجمعات، درگیری‌هایی بین تجمع‌کنندگان و به اصطلاح «لباس شخصی‌ها» صورت می‌گرفت که در آنها نیروی انتظامی عمدتاً همچون واسطه‌ای میان این دو گروه عمل می‌کرد و به کنترل اوضاع می‌پرداخت تا کار به خشونت کشیده نشود. آنچه اما در واقعه ۸ مارس گذشته اتفاق افتاده از یک تغییر اساسی در این حوزه حکایت داشت و احیاناً دگرگون شدن نقش واسط و حائل نیروی انتظامی.

صرفنظر از انتقاداتی همچون عدم بیش-بینی برخورد‌های احتمالی و ضعف سازماندهی که می‌تواند متوجه برگزارکنندگان این مراسم باشد، نحوه رویارویی با یک چنین گردهمایی محدود و مختصری آن هم به آن شدت، خود موضوع درخور توجهی است. از این رو این واقعه را شاید بتوان دارای این پیام ضمنی دانست که زین پس هر نوع حرکت اعتراضی خواه سیاسی، صنفی و مدنی غیرقابل تحمل تلقی شده و می‌تواند سرکوب گردد. و این نتیجه‌گیری با تمام آنچه که در سال‌های اخیر سرشته شده است و تلاش‌های صورت گرفته برای تجدید سازماندهی پلیس به عنوان نیرویی مهرورز و قانونمند به ویژه پس از آنچه در واقعه کوی دانشگاه تهران حادث شد، در تعارض است.

فاطمه صادقی

